

مهاجرت و حاشیه نشینی در ایران

دکتر اسداله نقدی^۱

چکیده:

ظهور و پیدایش حاشیه نشینی هم در ایران و هم در جهان، همزاد و همراه پدیده مهاجرت و تا حدی پیامد آن بوده است. حاشیه نشینی در مقیاس وسیع و معنای جدید به دوره پس از وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و سپس سرایت آن به سایر نقاط جهان برمی گردد. در ایران نیز پس از آغاز نوسازی اقتصادی و اجتماعی و دسترسی روستاها به خدمات جدید بهداشتی، آموزشی و نیز مکانیزه شدن کشاورزی و تغییر الگوی مدیریت روستائی از یک سو و ظهور اقتصاد نفتی و قطع وابستگی به کشاورزی از سوی دیگر مهاجرت‌های روستا-شهر آغاز و در پیامد آن پیدایش حاشیه نشینی پیرامون شهرهای بزرگ نمایان گردید. بنابراین به تدریج اغلب شهرها به ویژه شهرهای بزرگ به مراکزی برای استقرار و اسکان مهاجرین تبدیل می شود. به این ترتیب، حاشیه نشینی و در جدیدترین بیان (اسکان غیر رسمی) بعنوان بافت آپاندیسی شهری در ایران با قدرت تاثیرگذاری بالا به دلیل حجم قابل توجه ساکنین و مسائلی چون رشد سریع جمعیت، اشتغال غیر رسمی و آسیب های خاص، خود را بر شهرهای کشور تحمیل کرده است. مهاجرت و حاشیه نشینی به دلیل تاثیرات عدیده از آن دسته موضوعات اجتماعی است که هیچوقت تاریخ مصرف کنکاش در باره آنها پایان نمی پذیرد. در این مقاله نگارنده با توجه به تجارب و تحقیقات میدانی به موضوع مهاجرت و رابطه آن با ظهور حاشیه نشینی در ایران پرداخته است.

واژگان کلیدی:

مهاجرت، شهرنشینی، حاشیه نشینی، اسکان مهاجرین، آپاندیسی شهری.

^۱ - استادیار جامعه شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

مقدمه و طرح مسئله

حاشیه نشینی از ویژگی های جدائی ناپذیر رشد شهری ایران است که در سالیان اخیر به دلیل افزایش مطالبات اجتماعی در این مناطق و با توجه به تجربه چند دهه گذشته بیشتر مورد توجه محققان و کارشناسان واقع شده است. تجربه نشان می دهد که چاره ایی جز ادغام واقعی این نواحی در درون نظام های شهری نداریم، مدل های بهسازی مداخله در حاشیه باید بر بکارگیری ملاحظات مبتنی بر نیازهای اساسی اجتماعی و اقتصادی برای جذب حاشیه ها در سبک زندگی شهری تاکید نمایند (Moitra, 1991:255) زیرا در گذشته نیز چنین بوده که محلات مذکور پس از مدتی در محدوده قانونی شهر ها جذب و حاشیه های جدیدی متولد شده اند. یکی از عمده ترین علل پیدایش حاشیه ها در اغلب کشور های جهان رشد شتابان شهری (بخصوص در جهان سوم) می باشد که این خود نیز معلول مهاجرت های افسار گسیخته است. بسیار طبیعی است که اگر گذار شهری^۱ به دلیل سرعت زیاد رشد شهرنشینی در جوامع در حال توسعه در یک دوره نسبتا کوتاه (حدود پنجاه سال در نیمه اول قرن بیستم) در مقایسه با جهان اول (دوره دویست ساله ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰) رخ داده نتایج غیر قابل پیش بینی نیز به همراه داشته است: متوسط رشد شهرنشینی در دوره مورد بررسی ۴/۴ درصد بوده است در حالیکه رشد تولید ناخالص داخلی در همین دوره ۱/۴ بوده است (نقدی، ۱۳۸۱) برای مثال در ایران شهرنشینی از حدود ۲۰ درصد در ۱۳۰۰، اکنون به بیش از دو سوم (۷۰ درصد) و رقم مطلق جمعیت شهرنشین با بیش از ششصد درصد رشد نسبت به سال پایه ۱۳۳۵ از حدود ۶ میلیون نفر به بیش از ۴۰ میلیون نفر رسیده است. و تعداد شهرها نیز از ۱۹۹ به ۱۱۱۵ شهر بالغ شده است!

اگرچه مهاجرت روستا شهری از دلایل مهم رشد شهری در ایران است و بین مهاجرت و حاشیه نشینی از یک سو و رونق اقتصادی شهرها (تمرکز فرصت ها) از سوی دیگر رابطه وجود دارد عبارت دیگر هرچه شهر از توان و رونق اقتصادی بیشتری برخوردار باشد جاذبه بیشتری برای مهاجران و در نتیجه شکل گیری مناطق حاشیه وجود دارد؛ اما دلایل اساسی تر برای حاشیه نشینی را باید در ساختار اقتصاد سیاسی والگویی برنامه ریزی توسعه کشورها جستجو کرد که منجر به انواعی از عدم تعادل ها می شود: یکی از آثار عدم تعادل در بهره گیری از مواهب توسعه یافتگی

1 - Urban transition

منجر به تحرکات ناموزون جمعیت در سطح استان ها مانند مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق در حال توسعه و یا توسعه یافته تر شده است (قرخلو، ۱۳۸۵)

مهاجرت، دیدگاه ها و نگرش ها:

تئوری های مهاجرت را می توان مبتنی بر اشکال داخلی و مهاجرت های بین المللی و یا طبقه بندی های مبتنی بر دیسپلین های مختلف دانشگاهی مانند نگرش های جمعیتی، جغرافیائی، جامعه شناختی و ... به مهاجرت تقسیم بندی کرد. برخی نیز این رهیافت ها را دو دسته الف- ادبیات قدیم ملی گرا (برداشت های کلاسیک) ب- رهیافت های جدید (دیدگاه جهانگرا) (پوران، ۱۳۸۸: ۴۰) تقسیم می کنند. مهاجرت تاریخی به بلندای زندگی اجتماعی بشر دارد که افراد برای دستیابی به فرصت ها و شرایط بهتر یا فرار از مخاطرات و تهدید های طبیعی و انسانی اقدام به مهاجرت می نمایند برای تبیین مهاجرت (علل و پیامد های آن در مبدا و مقصد) صاحب نظران از زوایای گوناگون به این پدیده نگاه کرده اند:

دیدگاه اقتصادی: در تحلیل های جدید رشد اقتصادی و مهاجرت دو دسته آثار تحت عنوان اثر مغزها که باعث افزایش نرخ بازده انتظاری آموزش و در نتیجه سرمایه گذاری بیشتر در امر آموزش و تشکیل سرمایه انسانی بیشتر بعنوان مشوق توسعه و اثر مهاجرت مغزها بر کاهش ذخیره سرمایه انسانی در اثر مهاجرت نخبگان (جمع دو اثر فوق بعنوان اثر کل مهاجرت بر رشد و توسعه اقتصادی) در ادبیات اقتصادی صحبت می شود (Bien,atal, 2003) انگیزه های اقتصادی معمولاً در همه انواع مهاجرت های اختیاری جزء متغیر های موثر محسوب می گردد: در فرا تحلیل مطالعات مربوط به مهاجرت در ایران نیز رتبه اول به عوامل اقتصادی (۵۴,۷ درصد) سپس اجتماعی- فرهنگی (۲۵,۵ درصد) و طبیعی- کشاورزی (۱۳,۲) و در نهایت ۶,۶ درصد به متغیر های جمعیت شناختی نسبت داده شده است (قاسمی اردهالی، ۱۳۸۳: ۶۹) از نظر اقتصادی، مهاجرتها اعم از مهاجرت داخلی و مهاجرتها بین المللی، مکانیزی برای بازتوزیع نیروی کار است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). این نگرش از آدام اسمیت تا هاریس ۱ و تودارو ۲ ادامه دارد و مهاجرت

- 1.Haris
- 2.Todaro

را تابع قانون عرضه و تقاضای اقتصادی می‌دانستند. مهاجرت بین دو منطقه مهاجرپذیر و مهاجرفرست از نظر نیروی انسانی تعادل ایجاد می‌کند. از این دیدگاه، مهاجرت را عموماً به عنوان تصمیم‌گیری فردی برای به حداکثر رساندن درآمد تلقی می‌کنند.

به طور کلی دیدگاه اقتصادی از توسعه نابرابر منطقه‌ای و تحلیل‌های هزینه و فایده برای تبیین مهاجرت استفاده می‌کند. در سال ۱۹۹۸ دو متخصص اقتصاد کارینگتن و دتراژی‌اچ^۱ به جمع آوری داده‌های مربوط به مهاجرت و رشد اقتصادی پرداختند و نظریات اقتصادی مطرح شده را مستند به داده‌های کمی نمودند.

نگرش اجتماعی: شبکه اجتماعی موثر بر مهاجرت، سرمایه اجتماعی و مهاجرت،

مهاجرت‌های تبعی و فامیلی، گروه‌های اقلیت و مهاجرت در این دسته بندی جای می‌گیرند. اگرچه عوامل اقتصادی در مهاجرت‌ها اهمیت بسیار بالایی دارند، اما همیشه نمی‌توان مهاجرت را به عوامل اقتصادی تقلیل داد: در مواردی مهاجرت‌ها برای دوری جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی صورت می‌گیرد و در مواردی نیز برای سکونت در نقاط خوش آب و هوا یا زندگی در بین جامعه، قوم یا فرهنگ خودی انجام می‌شود که نه تنها ممکن است انگیزه‌های اقتصادی نداشته باشد بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). بعضی از مطالعات نشان می‌دهد که حتی فقر شهری مهاجران به زندگی روستایی ترجیح داده می‌شود. در پاسخ به سؤال «اگر به شما شغلی در روستا پیشنهاد شود، آیا به روستای خود باز می‌گردید؟» ۷۱ تا ۸۲ درصد از مهاجرین که با آنها در باندنگ، کاراکاس، استانبول، کوالالامپور و مانیل مصاحبه شد، پاسخ منفی دادند (فیندلی، ۱۳۷۳: ۴۰). تحقیقات محقق در بین مهاجران روستائی در حاشیه‌های همدان (۸۷ درصد عدم تمایل) و کرمانشاه نیز موید نظر فوق است. بنابراین عوامل اجتماعی مانند تحصیلات، ارتباطات، ازدواج و خویشاوندی، محدودیتهای اجتماعی در مبداء... یا تبعیت از همسر و یا شبکه خویشاوندی و... در مقصد در تبیین مهاجرت باید مد نظر قرار گیرند.

رهیافت سیاسی: در اشکال مهاجرت‌های اجباری (مانند پناهجویان و رانده

شدگان، درگیری‌های سیاسی) بیشتر ابعاد سیاسی مطرح است و جهت‌گیری‌های دولت‌ها در

1. Carrington and Detragiach

این زمینه مد نظر می باشد: مطالعه مجموعه قوانین مشوق یا بازدارنده مهاجرتی دولت ها (سیاست های مهاجرتی) اطلاق می شود: قوانین و مقرراتی برای تابعیت خونی، پذیرش مهاجران رانده شده و پناهندگان وجود دارد که در اغلب آنها به مهاجرت از دید سیاسی نگاه می شود. هر چند که در مواردی چون پذیرش مهاجران رانده شده یا پناهندگان به جنبه های انسانی و بشردوستانه نیز تأکید می شود، در این موارد نیز ملاحظات سیاسی اولویتهای دیگر را تحت شعاع قرار می دهد (زنجان، ۱۳۸۰: ۲۹-۱۲۸). مهاجران، اگر عده آنان زیاد باشد، از میان قشرهای حساس و مهم جمعیت برخاسته باشند، بر ساخت و چگونگی توزیع قدرت هم در جوامع مبدأ و هم در جوامع مقصد اثر می گذارند (والرشتاین، ۱۹۶۵، به نقل از لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۱۰۹). به طور کلی این دیدگاه به نقش دولت و سیاست در مهاجرت تأکید می کند که بیشتر در تبیین مهاجرت های بین المللی کاربرد دارد.

مدل سیستمی: یکی دیگر از دیدگاه های معتبر در خصوص تحلیل مهاجرت، رهیافت سیستمی است که بر اساس انتقاد از نظریات کلاسیک (بخصوص رهیافت کارکردگرایی) و رهیافت تضاد بوجود آمده است. طرفداران این رهیافت جدید که بیشتر بر بعد سیستم های جهانی تأکید دارند عناصری از هر دو رهیافت کارکردی و تضاد را به عاریت گرفته است (ریچموند و ورما، ۱۹۷۸، به نقل از لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۱۷۹). در مدل سیستمی، مهاجرت به عنوان یک حرکت دوری یا وابستگی متقابل، پیشرونده، پیچیده و خود تغییردهنده نگریسته می شود که در آن اثر تغییرات در هر یک جزء می تواند بر کل سیستم تأثیر بگذارد. (موبو گنج، ۱۹۷۰، به نقل از لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۱۷۰).

پارادایم جهانی شدن و مهاجرت:

بر خلاف برداشت های کلاسیک که مهاجرت را بیشتر به نفع کشور های مقصد و مرکز می دانستند، در این نگرش مهاجرت (بوئزه مهاجرت مغز ها) را برای جامعه جهانی مفید می داند و استدلال می شود اگر تجارت آزاد کالاها و خدمات، جهانی شدن، آزاد سازی و خصوصی سازی برای توسعه مفید بوده اند مهاجرت نیروی متخصص (سرمایه انسانی) از نقاطی که ارزان

۱ - فرار مغز ها، مهاجرت زن ها یا برون کوچی و مهاجرت های بین المللی نیز برای این نوع از جابجایی ها بکار می رود

بوده و تولید نهائی آن ناچیز است به نواحی کارا تر به افزایش تولید جهانی و پیشرفت دانش فنی و رفاه مردم سراسر گیتی با کمی تاخیر به کشور های مهاجر فرست منجر شده و مفید است: در بحث توسعه و مهاجرت موقعیتی است که هر کس (هر دو طرف) از طریق مهاجرت برنده اند: کشور های میزبان سرمایه انسانی و نیروی کار بدست می آورند، کشور های مهاجرت فرست ضمن کاستن از میزان بیکاری پول و دانش را از طریق اتباع خود در اقصی نقاط جهان به جوامع خود منتقل می کنند و مهاجران و خانواده آنها از طریق جابجائی داوطلبانه به مناطق با سطح دستمزد بالا نیز منتفع می شوند (Skeldon, 2008) این دیدگاه در مقابل نگاه ملی گرایانه کلاسیک قرار دارد که این روند را به تخلیه توان و سرمایه انسانی کشور ها یا نقاط کمتر توسعه یافته می دانند.

مهاجرت در آئینه اندیشه متفکران

از شاخص ترین چهره های تئوری های اقتصاد و مهاجرت مایکل تودارو می باشد. یکی از کلیدی ترین سئوالات وی این است که چرا برخی دست به مهاجرت می زنند و بعضی دیگر نه؟ به نظر وی مهاجرت، انگیزه های اقتصادی خاصی دارد. او انگیزه های اقتصادی را برحسب تفاوت های مشاهده شده در آمد روستا - شهری با فرض اینکه مهاجرین در جستجوی حداکثر درآمد در آینده هستند، تعریف می کند (فیندلی، ۱۳۷۲: ۳۱). البته تفاوت های مشاهده شده می تواند بین دو کشور نیز تصور گردد. به زعم او مهاجرت اساساً یک پدیده اقتصادی است و فرد مهاجر کاملاً منطقی و عقلانی تصمیم می گیرد که علی رغم وجود بیکاری در شهرها تصمیم به مهاجرت بگیرد (Todaro 1997: 30). در مدل تودارو، فرض می شود که مهاجران بر اساس به حداکثر رساندن منافع مورد انتظار دست به مهاجرت می زنند: طبق نظریه تودارو (۱۹۶۹) و هریس و تودارو (۱۹۷۰) باید تفاوت در دستمزد انتظاری مهاجرت (دستمزد شهری) و دستمزد روستائی باشد که در نتیجه می تواند منجر به بروز بیکاری شدیدتر در شهرها گردد (دانشور کاخکی و دیگران، ۱۳۸۵)

لاری ساستاد: بحث او مربوط به سرمایه نیروی انسانی است. به نظر وی مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد

در مبداء و مقصد مهاجرتی است، زیرا بر اساس نظریه وی که به نظریه هزینه-فایده موسوم است، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد در مبداء به علاوه هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل انتظار باشد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

بر اساس این تئوری مهاجرت و دوره بیکاری و کم‌کاری همراه آن، ممکن است به عنوان یک سرمایه‌گذاری تلقی شود که سرانجام درآمد بالاتر و سطح بالاتر زندگی را برای مهاجرین دربر دارد (فیندلی، ۱۳۷۲: ۳۱). این تئوری سرمایه‌گذاری انسانی، دلیل مهاجرت بیشتر جوانان را توضیح می‌دهد، (همان: ۳۲-۳۱). افراد وقتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که فایده مهاجرت کردن بر هزینه آن افزونی داشته باشد. فایده مهاجرت در ارزش و درآمد بالقوه پس از مهاجرت در مقایسه با درآمد کنونی می‌باشد (فایده‌های غیر پولی نیز بر این نظریه مرتبط می‌باشد) (آقاجانیان، به نقل از لهستانی زاده، ۱۳۶۸: ۲۲۳).

گولد اسمیت و همکاران: در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته، جریان مهاجرت از روستاها به شهرها با رشد اندک صنعتی شدن و نرخ بالای بیکاری و فقر در مناطق شهری همراه است (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۴).

بوگ: وی با طرح مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد انگیزه برای مهاجرتهای روستا-شهری معتقد است که دو گروه از عوامل شامل عوامل کشش (جاذبه) و عوامل فشار (دافعه) در مهاجرتهای روستا به شهر مؤثر هستند. (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۴-۵).

مدل راونشتاین^۱ در مجموعه‌های الگوهای جاذبه-دافعه قرار می‌گیرد وی ۱۱ قانون حاکم بر مهاجرت را بر اساس مشاهدات از مهاجرت‌ها در بریتانیا و ایالات متحده امریکا فرموله می‌کند و بر اساس فرمول زیر محاسبه می‌گردد

$$M_{ij} = f(R_i, A_j) / g(D_{ij})$$

I و J مبداء و مقصد مهاجرت، رانش‌های (R_i) کشش‌ها (A_j) فاصله (D_{ij})

برخی از متغیرهای مدل وی عبارتند از ۱- فاصله و مهاجرت ۲- مرحله‌ای بودن مهاجرت ۳- تابها و بازتابهای مهاجرت ۴- ارتباطات و مهاجرت ۵- برتری انگیزه اقتصادی در

مهاجرت می‌باشد. از اینرو راونشتاین بی‌آنکه از سایر عوامل مؤثر بر مهاجرت غفلت کند، بر نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرتها تأکید دارد و آنرا مهمترین عامل برانگیزنده مهاجرتها می‌داند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۳۱-۱۳۰).

مدل لوئیس^۱ و شولتز^۲: در اینجا به مهاجرت در قالب اقتصاد دو گانه نگریسته شده است و تمرکز اصلی این مدل هم بر فرآیند انتقال نیروی کار از بخش سنتی روستائی به بخش مدرن شهری می‌باشد. در این مدل فرض شده که اقتصاد شامل دو بخش می‌باشد: الف) بخش معیشتی - سنتی کشاورزی (روستایی) که مشخصه آن بازده تولیدی صفر یا خیلی پائین و نیروی کار اضافی می‌باشد. ب) بخش صنعتی مدرن شهری که از بازده تولیدی بالایی برخوردار است (Todaro 1976: 21).

فی^۳ و رانیز: مهاجرت از روستاها به شهرها به عنوان جزء لاینفک فرآیند توسعه اقتصادی مطرح می‌باشد، به گونه‌ای که برخی از اقتصاددانان، توسعه اقتصادی را معادل انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت تعریف می‌نمایند (دانشور کاخکی، ۱۳۸۵).
به طور خلاصه این مدل فرض می‌کند که اقتصاد در حال توسعه از دو بخش نسبتاً مستقل از یکدیگر تشکیل شده است. یکی بخش کشاورزی - معیشتی است که میزان بیکاری در آن بالا می‌باشد و تولید نهایی نیروی کار صفر یا نزدیک به صفر می‌باشد و کارگران مزدی برابر با معیشت‌شان می‌گیرند و بخش دیگر، بخش صنعتی مدرن می‌باشد که دارای اشتغال کامل می‌باشد و به خاطر تولید بالا در بخش صنعتی، دستمزدها نیز بسیار بالا می‌باشد. با وجود چنین تفاوت‌هایی در میزانهای مزد و اشتغال در بخش مدرن و سنتی، مهاجرت به عنوان یک مکانیسم متعادل‌کننده در نظر گرفته می‌شود. که از طریق این فرایند، نیروی کار اضافی یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌شود (از کیا، ۱۳۷۲: ۸۷).

اورت لی^۴ متغیرهای مؤثر بر مهاجرت را به عوامل زیر مربوط می‌داند:

الف) عوامل موجود در مبداء (برانگیزنده و یا بازدارنده)

- 1.W. Arthur Lewis
- 2.Theodore W. Schultz
- 3.Fei,J.C.H and Ranis.G
- 4.Lee,Everett S

ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و یا بازدارنده)

ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدا به مقصد

د) عوامل شخصی (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۲).

علل مهاجرت های روستا- شهری در یک جمع بندی بشرح زیر است:

الف- مهاجرت های روستایی از حوزه هایی که در آنها فرصت های شغلی کمتری وجود دارد به طرف حوزه هایی که دارای امکانات شغلی بیشتری است صورت می گیرد.

ب- در صورتی که اختلاف درآمد شهر و روستا زیاد باشد، مهاجرت از روستا به شهر به ویژه به شهرهای بزرگ انجام می شود. حتی اگر در شهرهای بزرگ بیکاری وجود داشته باشد، مهاجران روستایی حاضرند مدت طولانی در شهر بیکار بمانند تا به فرصت های شغلی لازم دست یابند.

ج- همه مردم، در دوره کارایی عمر خود آرزو مندند به حداکثر درآمد دست یابند و مهاجران در این سنین به امید دست یافتن به حداکثر درآمد، به شهرها مهاجرت می کنند.

د- تسلط مدل دوگانه اقتصادی (بخش جدید و بخش معیشتی) بدون ارتباط با هم مهاجرت های روستایی را سبب می شود.

ه- عوامل دفع در روستا و عوامل جذب در شهر مهاجرت های روستایی را شتاب می بخشد.

و- در بعضی موارد، حوادث و اتفاقات طبیعی و اجتماعی، مهاجرت های روستایی را موجب می شود (Bilsborrow & Oberai 1984؛ به نقل از شکوهی، ۱۳۸۰: ۴۷۱).

مهاجرت و حاشیه نشینی:

حاشیه نشینی هم در اهداف هزاره و هم در اسکان بشر سازمان ملل بعنوان یکی از چالش های توسعه جهان معرفی شده است (UN, 2003, 2000) محققین، علل حاشیه نشینی و به طور کلی مهاجرت را در چهارچوب الگوی رانش-کشش بررسی کرده و به توصیف عواملی نظیر فقر و نبود امکانات رفاهی-بهداشتی و از همه مهمتر کار و درآمد زیادتر در شهر پرداختند (وارثی، ۱۳۸۵ به نقل از معصومی اشکوری) برخی تحقیقات که در زمینه ساخت قومی، جمعیتی و خاستگاه های اولیه حاشیه نشینان به عمل آمده حاکی از آن است که تقریباً سه چهارم حاشیه نشینان، مهاجران روستایی هستند (سماواتی، ۱۳۷۲: ۱۶۷، نقدی، ۱۳۸۶)، که بخاطر عوامل رانش

روستایی و دیدن زرق و برق شهری^۱ رو به سوی این مناطق آورده اند. پدیده مهاجرت و رابطه آن با حاشیه نشینی و فرایند سازگاری مهاجران در شهرها بسیار پیچیده است، بیگانه بودن مهاجران روستایی با اصول اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی شهری پیامدهای گوناگون جمعیتی، رفتاری، اخلاقی و روانی دارد (جمالی، ۱۳۸۱: ۱).

شناخت علل پیدایش و گسترش حاشیه نشینی مستلزم مطالعه مهاجرت های روستایی است، اما آنچه در پی می آید، گریزی بر این پدیده بوده سعی در نمایاندن رابطه تنگاتنگ این دو پدیده (مهاجرت و حاشیه نشینی) دارد. پیدایی مسئله حاشیه نشینی فقط ناشی از مهاجرت نیست و گاهی پیشروی شهرها، برخی روستاهای اطراف شهرها را به محل های حاشیه ای تبدیل کرده و مهاجرت های فراوانی نیز صورت می گیرد اما به بروز حاشیه نشینی منجر نمی شود (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۷).

اگر چه در جریان مهاجرت ها، عده ای از مهاجرین به زندگی در زاغه ها می پردازند و اختلاف سطح زندگی بین شهر و روستا، میزان مهاجرت را شدت می بخشد، اما تمام مهاجران حاشیه نشین نمی شوند و تمام حاشیه نشینان نیز مهاجر نیستند. شاید بتوان گفت مهاجرت مکانیزی (ساز و کار) است که گاهی باعث حاشیه نشینی می شود، اما علت تامه حاشیه نشینی نیست (همان: ۱۸). بنابراین بر خلاف تصور رایج صد درصد ساکنان حاشیه را مهاجرین روستائی تشکیل نمی دهند هرچند اکثریت را آنان بخود اختصاص می دهند: با این همه گروه های حاشیه نشین شهرهای مختلف همه روستائیان مهاجر نیستند و همه در حاشیه زندگی نمی کنند. برخی از آنان از شهرهای کوچک به سوی شهرهای بزرگ آمده اند و بعضی از آنها که در حاشیه زندگی می کنند از اهالی خود شهر هستند (همان: ۱).

در کشورهای در حال توسعه بیش از ۳۰ درصد جمعیت در چنین مناطقی سکونت دارند. در ایران اگرچه تاکنون آمار رسمی که بر اساس مطالعات ملی در این زمینه باشد وجود ندارد اما بر اساس برآورد محقق، حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۵۰ درصد (با میانگین ۲۰ درصد) سکنه شهرهای مراکز استان های ایران و جمعیتی بالغ بر ۱۲-۱۰ میلیون نفر در مناطق حاشیه زندگی می کنند (نقدی، ۱۳۸۲: ۲۲۸، نقدی ۱۳۸۹).

رشد شهرنشینی تابعی از چهار فرایند مهاجرت، رشد طبیعی جمعیت، تغییر تعریف شهر و ادغام روستاهای اقماری و تاسیس شهرهای جدید است: [بنابراین] منشأ جمعیت شهرنشین تنها ناشی از افزایش طبیعی جمعیت شهرها نیست، بلکه ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرها می باشد. علل عمده مهاجرت روستائیان به شهرها، علاوه بر جاذبه های شهرنشینی و رشد اشتغال صنعتی در شهرها، کمبود کار و فقر عمومی روستائیان، ترجیح دادن مشاغل صنعتی با دستمزد بالا بر کشاورزی، امید به آینده بهتر برای خود و فرزندان و توزیع نامناسب امکانات رفاهی شهر و روستا است (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۵).

ساکنین مناطق حاشیه شهرها، به اضافه برخی از روستاهایی که در شهرها ادغام شده اند، اساساً از مهاجرین روستایی تشکیل می شوند. تحقیقات متعددی که در تهران، کرج، همدان، اهواز (قبل از انقلاب)، بوشهر بعمل آمده نشان می دهد که نه فقط حاشیه نشینان، قشر پایین جامعه را به لحاظ اقتصادی تشکیل می دهند بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنها مهاجر بوده اند (همان: ۵۱). در اکثر کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین مهاجرین روستایی با حرکات موجی همه اطراف شهرها را متصرف می شوند... این مهاجرین روستایی به هنگام ورود به شهرها نمی توانند برای خود جایی در محله های قدیمی، رو به ویران و یا بخش زاغه های شهری پیدا کنند، زیرا قبلاً این قبیل محله ها اشغال شده اند و ناگزیر به اطراف شهرها هجوم می برند... از این رو حاشیه شهرها بیش از همه مورد توجه مهاجرین روستایی قرار می گیرد. بعد از اشغال مهاجرین، عده ای از مردم کم درآمد شهری نیز در جستجوی واحدهای مسکونی ارزان قیمت به منطقه حاشیه نشین پناه می برند (شکوئی، ۲۵۳۵: ۹).

دوره های مهاجرت در ایران:

می توان مهاجرت از روستا به شهر را در ایران به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول این دوره مربوط به قبل از اصلاحات ارضی است که مهاجرت به کندی انجام می شود. دوره دوم این دوره از اوایل دهه ۱۳۴۰ به تدریج با آغاز برنامه های مربوط به تقسیم زمین و مشکلاتی که بر اثر دگرگون شدن نظام سنتی روستاها پدید آمد، آغاز می شود. دوره سوم؛ این دوره را با نام دوره انفجاری می خوانند. از اواخر سال ۱۳۴۹ آغاز شده و تا اواخر سال ۱۳۵۶ و اوایل سال ۱۳۵۷ ادامه یافت (وثوقی، ۱۳۸۲: ۴۶-۵۳). اما باید به این طبقه بندی مهاجرت های بعد از انقلاب نیز که خود قابل تقسیم به زیر دوره هایی است اضافه گردد.

مهاجرت: علل، پیامد ها و راه حل ها:

در دهه های اخیر مهاجرت یکی از مسائل عمده اجتماعی ایران بوده است. در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ در ایران ۴۲۷۴۲۰۰۰ نفر جابجا شده اند و تنها در فاصله ۵۵ تا ۸۵ یک دوره ۳۰ ساله ۶۶۵۷۱۶۹ نفر از روستا به شهر مهاجرت کرده اند و در آخرین سرشماری از ۱۲۳۰۰۰۰۰ نفر مهاجر بیش از ۲ میلیون نفر مستقیماً از نقاط روستائی به شهر ها مهاجرت نموده اند. همچنین در همین دوره ها همواره بیش از یک سوم رشد شهری کشور ناشی از مهاجرت بوده است.

در خصوص آثار و پیامدهای مهاجرت در مبداء و مقصد می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- کمک به افزایش جمعیت شهری و شکل گیری حاشیه ها ۲- تغییر کالبد فیزیکی شهرها ۳- افزایش تقاضا برای خدمات شهری ۴- تخلیه جمعیتی روستاها (غلبه پیران و سالخوردهگان) ۵- ایجاد تنوع و آمیختگی فرهنگی در شهرها ۶- تبدیل جمعیت تولید کننده به مصرف کننده ...

یکی از اشکال مهم مهاجرت در جهان مهاجرت های روستا-شهری هستند که به دلایل گوناگونی صورت می گیرد: گسترش خدمات بهداشتی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و نیز ورود تکنولوژی جدید و مکانیزه شدن کشاورزی از علل تشدید مهاجرت روستائیان به نقاط شهری بوده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۲). اکثریت حاشیه نشینان منشأ روستایی دارند و در جریان سیر رشد شهرها از زادگاه خویش کوچ کرده اند و به قطب های توسعه شهری آمده اند و در زاغه ها، آلونک ها و کپرها سکنی گزیده اند (حاج یوسفی، ۱۳۸۲). در کنار مهاجران روستائی در حاشیه، گروه جدیدی از خود شهر ها هم رانده می شوند: تحقیقات اخیر نشان می دهد سهم بالایی از ساکنان این مناطق بخصوص در مناطق کلان شهری گروههای کم درآمد این شهرهاست که به دلیل افزایش سطح اقتصادی زندگی که در کلان شهرها دشوار است، آنها به نقاط ارزان تر نزدیک پناه می برند (افتخاری راد، ۱۳۸۲: ۷۴). در محدوده هایی مانند شهرهای غرب و شرق کشور عواملی مانند جنگ، سیل، زلزله، خشکسالی، باعث مهاجرت روستائیان و اسکان در این نقاط شده است (همان: ۷۶).

یکی از علل مهاجرت های روستائی در ایران تفاوت سطح زندگی شهر و روستا است: کیفیت زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستائیان بهتر و برخوردارتر است و

همین امر یکی از دلایل گرایش تاریخی روستائیان به سکونت در شهر می باشد. هجوم روستائیان به شهر به علت وجود همین امکانات و برخورداری هاست و تا زمانی که این فاصله وجود داشته باشد باید منتظر موجهای مهاجرت از روستا به شهر بود (نقدی، ۱۳۸۲: ۲). در اینجا بعنوان شاهد مثال دلایل رشد شهرنشینی در ایران، راه حل های جلوگیری از مهاجرت روستائیان بر مبنای پیمایش های قبلی محقق^۱ مرور می کنیم: شهرداران مراکز استان ها در درجه اول مهاجرت روستائیان به شهر و سپس رشد جمعیت و در نهایت افزایش محدوده شهرها را دلیل این رشد معرفی کرده اند و از نظر همان گروه راه حل جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها نیز به شرح زیر بوده است:

جدول (۱) راه حل مهاجرت روستائیان به شهرها از دید شهرداران مراکز

شرح	فراوانی	درصد
توجه بیشتر به روستاها	۸	۳۳/۳
اشتغال در روستا	۳	۱۲/۵
توسعه روستاها	۲	۸/۳
موج گیر (بازدارنده) مهاجرت	۲	۸/۳
توسعه کشاورزی	۲	۸/۳
افزایش هزینه زندگی	۱	۴/۲
توسعه روستایی	۱	۴/۲
کنترل رشد شهرها	۱	۴/۲
افزایش درآمد روستا	۱	۴/۲
بی جواب	۲	۸/۳

نقدی، ۱۳۸۲

بر اساس نتایج تحقیقات میدانی در میان سه گروه اجتماعی شهرداران، صاحب نظران و شهروندان در خصوص مشکلات شهری ایران هر سه گروه، مهاجرت و رشد بی رویه شهری و

^۱ - داده های فوق از پیمایش نگارنده از شهرداران مراکز استان ها، شهروندان ۶ شهر و ۵۰ صاحب نظر در خصوص مسائل شهر و شهرنشینی در ایران اخذ شده است.

حاشیه نشینی را از عمده مسائل ذکر کرده اند، هر چند بین شهرداران و شهروندان در علت پیدایش این امور نوعی نگاه مقصر دانستن طرف مقابل وجود دارد (مدیریت ناکارآمد در برابر عدم تعلق شهروندی و مشارکت پائین)، اما رشد جمعیت و مهاجرت های بی رویه و در نتیجه موضوع مورد تاکید این مقاله حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی از موارد مشترک هر سه جامعه بوده است. در یک نظر سنجی از ۵۰ صاحب نظر مسائل شهری دلایل رشد شتابان شهرنشینی در ۲۰ سال اخیر در کشور بشرح زیر عنوان شده است: عدم برنامه ریزی مناسب، مهاجرت روستائیان، رشد جمعیت و بحران در کشاورزی، عدم تعادل منطقه ای... اشاره کرده اند (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

جدول (۲) مقایسه مهمترین مشکلات شهرنشینی از شهرداران و شهروندان و کارشناسان

شهرداران مراکز استان ها	صاحب نظران (۵۰ نفر)	شهروندان
۱- عدم تعلق و مشارکت پایین	۱- ترافیک ناهنجار	۱- کمبود امکانات خدمات شهری
۲- فقر فرهنگ شهرنشینی	۲- رشد ناهنجار شهرها	۲- بیکاری و نبود یا کمبود فرصت های شغلی
۳- حاشیه نشینی	۳- مسایل زیست محیطی، آلودگی	۳- گسترش اعتیاد
۴- بیکاری	۴- مسکن و مسائل آن	۴- مدیریت ناکارآمد شهری کشور
۵- کمبود امکانات فرهنگی و مهاجرت بی رویه به شهرها	۵- گسترش ناهنجاری اجتماعی، بیکاری و کمبود امکانات و خدمات	۵- رشد بی رویه جمعیت و فرهنگ پایین شهرنشینی

نقدی، ۱۳۸۲

نا کافی بودن نصایح مشفقانه بازگشت به روستا

مهاجرت یک تصمیم عقلانی در سطح فردی و یک ضرورت یا پیامد شرایط ساختی در ابعاد کلان است و انتظار پایان آن عقلانی نیست بلکه موضوع اصلی باید کمیت و کیفیت و سرعت و اندازه مهاجرت و مدیریت کردن آن باشد هنگامی که از مهاجرت بویژه از مبداء روستائی صحبت می شود اغلب در مقصد شهری آن به پدیده حاشیه نشینی منجر می شود. بر اساس تحقیقات نگارنده ۷۶/۵ از حاشیه نشینان جعفرآباد کرمانشاه ۸۲ درصد در حاشیه های همدان مهاجران روستائی هستند. ۸۷ درصد مهاجرین حاشیه نشین در همدان و ۶۳ در جعفرآباد کرمانشاه هیچگونه قصدی برای بازگشت نداشتند (نقدی، ۱۳۸۶: ۲۰۰ و نقدی، ۱۳۸۹: ۱۹). این بدان معنی است که مهاجران روستائی وضع خود را پس از مهاجرت، بهتر از زمان اقامت در

روستاهای خود ارزیابی کرده اند و این موضوعی است که حداقل باید آن را از دید روستائیان، عامل اصلی و برانگیزنده مهاجرت تلقی کرد.

همانطور که پیشتر اشاره شد یافته های تحقیقات هم نشان می دهد علت اصلی مهاجرت های روستایی در ایران دلایل و انگیزه های اقتصادی و سپس اجتماعی می باشد که آنها را به شهرها کشانده است. (قاسمی اردهالی، ۱۳۸۳ : ۶۹) همچنین یافته های محقق در حاشیه های همدان نیز نشان داد که حدود ۵۳ درصد پاسخگویان معتقدند که وضعیت مالی و اقتصادی آنها نسبت به قبل از مهاجرت، یعنی زمانی که در روستا بوده اند، فرقی نکرده و حتی بدتر هم شده است (با ملحوظ داشتن تمایل به انعکاس بد همراه با اغراق اوضاع مالی!). با این حال تنها ۱۳/۵ درصد از مهاجرین ساکن شده در مناطق حاشیه اظهار تمایل به بازگشت به روستا نموده اند و بیش از چهار پنجم آنها هیچگونه تمایلی برای بازگشت به روستا ندارند.

نمودار ۱ تمایل به بازگشت به روستا



موضوع فوق با یافته سایر محققان در نقاط دیگر ایران و جهان نیز همخوانی دارد. این امر می تواند حاکی از این باشد که اقدام به مهاجرت و تداوم آن، علاوه بر انگیزه های اقتصادی علل دیگری نیز دارد که به کیفیت زندگی شهری، دسترسی به خدمات و امکانات شهری و مواردی از این قبیل مربوط می شود.

نتیجه گیری

بخش قابل توجهی از گسترش شهرنشینی در ایران معلول مهاجرت خیل عظیمی از روستائیان به نقاط شهری است، هرچند عوامل دیگر همانند رشد طبیعی جمعیت شهرها و تغییر تعاریف مربوط به شهر و گسترش حوزه های نفوذ شهری و ادغام روستاهای همجوار در این روند دخیل هستند. طبق نظر سنجی محقق از شهرداران شهرهای مهم ایران در مورد کنترل مهاجرت روستائیان به شهر در اولویت اول به دادن امکانات بیشتر به نقاط روستائی، سپس ایجاد و گسترش فرصتهای شغلی و توجه به معیشت در جامعه روستائی، که همه این پیشنهادات در عبارت توسعه روستائی خلاصه می شود، اشاره کرده اند. زیرا توسعه شهری بدون توجه اساسی به روستا، چیزی غیر از آن چه که اتفاق افتاده نخواهد شد. البته توسعه روستائی هم فقط دسترسی به آب و برق نیست (که اینها هم جزئی از آن تلقی میشود) بلکه تنها زمانی مهاجرت از روستا به شهر کاهش می یابد که سطح و کیفیت زندگی لااقل در شهر و روستا به هم نزدیک گردد و نه الزاما برابر!

بطور کلی با توجه به یافته های بررسی می توان چنین نتیجه گیری نمود که مهاجرت یکی از علل اصلی گسترش شهرنشینی سریع در ایران بوده و پیامد آن ظهور شهرهای بزرگ و حاشیه نشینی با بافت نابسامان و مسکن ناهنجار است که ساکنین آن اغلب مهاجرین روستائی یا اقشار کم درآمد شهری می باشند. همبستگی بالائی بین مهاجرت و شهرنشینی (۹۹ درصد) وجود دارد (وارثی، ۱۳۸۵: ۱۹۳). البته این مناطق بخش قابل توجهی از جمعیت شهری کشور و نیز حتی اشتغال آنان را بر عهده دارند. حاشیه نشینی فضایی-کالبدی، مولود حاشیه نشینی اقتصادی اجتماعی آن بخش از جمعیت است که از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند و از خدمات ارائه شده در این محلات راضی نیستند. در نهایت، فقر فرهنگی و اقتصادی و حاشیه نشینی اجتماعی و کالبدی آنها از یکسو و مشاهده و مقایسه زندگی شهرنشینی که از امکانات زندگی امروزی بهره مند هستند از سوی دیگر، سبب ایجاد نارضایتی آنان از مدیریت شهری می شود.

رشد حاشیه نشینی معلول بسیاری از جمله مهمترین آنها، مهاجرت روستائیان به نقاط شهری در کشورهای مختلف بویژه در جوامع در حال توسعه و در ایران است. در نتیجه اجرای برنامه های توسعه نیروی مازاد فراوانی در جامعه روستائی پدیدار شد و این جمعیت مازاد

به دنبال فرصتی برای کار و سراب زندگی خوب راهی مناطق شهری شدند ولی چون شهرها آمادگی جذب میلیون ها میهمان و مهاجر را نداشت، در نتیجه این مناطق در کشورهای در حال توسعه به آشفته بازار اجتماعی از مشاغل کاذب، ناهنجاریهای اجتماعی، شکاف طبقاتی و ... تبدیل گردیده است. دلیل گرایش افراطی به شهرنشینی در ایران برخورداری از امکانات و فرصت های بیشتر و بهتر برای زندگی است. در حال حاضر بیش از ۱۰ میلیون نفر از سکنه شهری کشور که اغلب مهاجران روستائی هستند، در حاشیه ها و " پائین شهر ها " بسر می برند. بجای چشم پوشی باید آنرا به رسمیت شناخت و مدیریت کرد.



منابع:

- افتخاری راد، زهرا (۱۳۸۲)، «چهره نمایی بافت های اسکان غیر رسمی و عوامل موثر بر شکل گیری آن»، **مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی**، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۵۹-۸۰.
- از کیا، مصطفی (۱۳۷۴)، «**جامعه شناسی توسعه**»، تهران، انتشارات کلمه.
- پیران، پرویز (۱۳۶۷ و ۱۳۶۸)، «شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار»، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره های ۱۲ الی ۲۴.
- پیران، پرویز (۱۳۷۳)، «آلونک نشینی در ایران: دیدگاههای نظری»، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۸۸-۸۷.
- پیران، پرویز (۱۳۷۴)، «آلونک نشینی در ایران»، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره های ۹۶-۹۱.
- پیران، پرویز (۱۳۸۰)، «تحلیل جامعه شناختی از مسکن شهری در ایران، اسکان غیر رسمی»، **نامه انجمن جامعه شناسی ایران**، شماره ۶.
- پیران، پرویز (۱۳۸۰)، «اجتماعات آلونکی، پدیده ای فراتر از حاشیه و حاشیه نشینی»، **ماهنامه شهرداریها**، شماره ۳۲، ۳۹-۳۴.
- پوران، رقیه (۱۳۸۸) «**اثر مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی**» پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر ابوالفضل شاه آبادی، دانشگاه بوعلی سینا همدان
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، «**مهاجرت های داخلی در شهرهای در حال توسعه**»، مترجم مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران، انتشارات دفتر بین المللی کار.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴)، «**جامعه شناسی شهری**»، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه پیام نور.
- جمالی، فیروز (۱۳۸۱)، «مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران»، **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز**، شماره (182) 45، ۸۱-۶۱.
- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲)، «پدیده حاشیه نشینی شهری قبل از انقلاب»، **در مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی**، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۱۷۷-۲۰۶.
- دانشور کاخکی. محمود، و دیگران (۱۳۸۵)، بررسی تاثیر افزایش بهره وری کشاورزی بر مهاجرت روستائیان ایران. **مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی** شماره ۴
- زاهد زاهدانی، سیدسعید (۱۳۶۹)، «**حاشیه نشینی**»، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۱)، «**جمعیت و توسعه**» - **مجموعه مقالات** - چاپ پژمان.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰)، «**مهاجرت**»، تهران: انتشارات سمت.
- سماواتی، محمداسماعیل (۱۳۷۲)، «دسته بندی معضلات اجتماعی در استان همدان»، **استانداری همدان**، شورای اجتماعی همدان.

- شکوهی، حسین، «حاشیه‌نشینان شهری»، دانشگاه تبریز.
- شیخی، محمد (۱۳۸۱)، «سکونت گاههای خودرو، گذار از آسیب به راه حل»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، صص. ۲۲۲-۱۹۳
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)، «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری»، مجله روستا و توسعه، سال چهارم، شماره ۳ و ۴، ۱-۲۴
- کلاته، محمد (۱۳۷۸)، «توسعه نابرابر و مهاجرت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فیندلی، سلی (۱۳۷۳)، «برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی»، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: انتشارات نوید.
- قاسمی اردهایی علی (۱۳۸۵) بررسی علل مهاجرت روستائیان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۹) روستا و توسعه بهار؛ ۱۹: ۵۱-۸۰.
- قرخلو مهدی، کیومرث حبیبی (۱۳۸۵) تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی، تحقیقات جغرافیایی تابستان ۱۳۸۵؛ (پیاپی ۸۱): ۵۹-۸۳
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، «نظریات مهاجرت»، شیراز: انتشارات نوید.
- نقدی، اسداله (۱۳۸۲)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری»، همدان: انتشارات فن آوران.
- نقدی، اسداله (۱۳۸۱)، «توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن در ایران»، فصلنامه جمعیت، ش ۴۰-۳۹ صص ۱-۳۴.
- نقدی، اسداله (۱۳۸۵) «حاشیه‌نشینی، پیدایش، مسائل و راهکارها»، اولین همایش بین‌المللی طراحی شهر، اصفهان.
- نقدی، اسداله (۱۳۸۶)، «حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی»، همدان، انتشارات فن آوران.
- وارثی، حمید رضا و زهتاب سروری (۱۳۸۵) تحلیلی بر ارتباط توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ایمی، شماره ۶۵ صص ۱۹۶-۱۸۰.
- وثوقی، منصور (۱۳۸۲) «جامعه‌شناسی روستایی» چاپ اول، ۱۳۶۶، چاپ دهم - انتشارات کیهان

- Bien, M, Doquier, F, Rapoport. (2003) Brain drain and LDCs Growth: Winners and losers, IZA discussion paper. no818
- Lee, Everett S. (1966). "A Theory of Migration." *Demography* 3: 47-57
- Lewis, W. Arthur. (1954). "Economic Development with Unlimited Supplies of Labour." *Manchester School of Economic and Social Studies* 22: 139-191.
- Moitra, M. K. (1991) Environmental Improvement of Slums: The Calcutta Experience, Building and Environment, Printed in Great Britain. , Pergamon Press plc, Vol. 26, No. 3, pp. 253-257.
- Ravenstein, Ernest G. (1885). "The Laws of Migration." *Journal of the Royal Statistical Society* 48: 167-227.
- Skeldon, R. (2008). International migration as a tool in development policy: a passing phase? *Population and Development Review*, 34(1), 1-18.
- Todaro, P. M. (1976). **Internal Migration in Developing Countries**. Genva : International Labor Office.
- Todaro, P. M. (1997). *Urbanization, Unemployment and Migration in Africa: Theory and Policy*, Policy Research Division Working Paper, No. 104 . New York: Population Council.
- UN-HABITAT (2003) **Challenge of Slums: Global report on Human Settlement**
- UN (2000) **Millenium Development Goals, UNDP**